



Home

به روز شده: 10:45 گزینویچ - شنبه 24 ژوئیه 2010 - 02 مرداد 1389

این صفحه را برای دیگران بفرستید چاپ مطلب

هنر ایران**شاملو؛ دهه و دهه‌ها**

محمد قائد

نویسنده و روزنامه‌نگار

لینک های مرتبط اینترنتی

خاطرات هم اصل و بدل دارد - محمد قائد

آن سوی آستانه - محمد قائد

شاملو محکوم بود شاعر باشد

مقاله به عنوان ژانر ادبی

بی بی سی مسئول محتوای سایت های دیگر نیست

مطالب پرخواننده کنونی

سودهایی که حاکمان ایران از تحریم‌ها می‌برند
انتقاد شدید مارشال فهیم از مخالفان سیاسی
دولت افغانستان
عبدالرضا تاجیک: در زندان هتک حرمت شده ام
هفده نفر در فستیوال رژه عشق آلمان کشته شدند
لاریجانی دولت را متهم به 'تخلف از قانون اساسی' کرد

توضیح بی‌بی‌سی: در دهمین سالمرگ احمد شاملو، تعدادی از شاعران و نویسندگان ایرانی به درخواست بی‌بی‌سی به بررسی نگاه، قلم، شعر و جایگاه او پرداخته‌اند. این یادداشت‌ها و گفت‌وگوها از امروز به تدریج در سایت فارسی بی‌بی‌سی منتشر خواهد شد.



محمد قائد

گذشت ده سال از مرگ احمد شاملو شاید برخی از بهترین انتظارها را درباره او تحقق بخشیده باشد: خصلت فراعقلی شعر، چه قدمایی و چه جدید، پیش از آنکه او بمیرد به تاریخ پیوسته بود، اما سروده‌های او همچنان، در خلوت و پشت میکرفن، خوانده می‌شود و به احساس آدمها رنگ و بو و جلا می‌بخشد.

مفهوم زمان از جمله اختراعاتی است که انسان فکرش را با آن بسیار مشغول می‌کند. خیام می‌گفت همین الان که بروی، در صف دراز کسانی خواهی بود که هزار سال پیش رفته‌اند، یا رفتند. اما تکلیف این هزار سال و هزار سال بعدی چه خواهد شد؟ خیام می‌گفت تکلیفی وجود ندارد، اگر هم داشته باشد به تو ربطی ندارد؛ کارت را بکن و حظ ببر.

شاملو با شور فراوان کارش را می‌کرد و از زندگی عمیقاً لذت می‌برد. در معرض توجه و برخوردار از ستایش خوانندگانش بود. مدام نوشتن و چاپ‌کردن و بازنویسی متن‌ها برای هر تجدید چاپی، نیرویی می‌طلبید که به طرزی غریب همچنان در او می‌جوشید.

اما چاشنی سروصدایی که به آن جوشش می‌افزود در چشم برخی ناظران قدری زیاد می‌آمد. در سالهایی از عمر، آدمهایی زندگی را کلاً آنچنان که هست قبول می‌کنند گرچه ممکن است از پذیرش وضع موجود تن بزنند. او میل نداشت پذیرش وضع موجود جامعه، و جهان‌بینی رواقی در نگاه به زندگی با هم اشتباه شوند. نتیجه، اعتراضهایی بود که شاید در وجهی اجتماعی روشنفکرانه می‌نمود اما در وجه شخصی نالازم به نظر می‌رسید.

خدمات

دریافت روزانه اخبار از طریق ایمیل
پادکست

آر اس اس
موبایل
ویجت

در جامعه‌ای که حسد در بسیاری آدمها هم احساس و طرزفکر است، هم انگیزه وهم هدف، **انتقاد** را پای رقابت می‌گذاشت، حساسیت شدید نشان می‌داد و از جفای حاسدان می‌نالید: "منتقدان ما عملاً دشمن خونی معاصراند، عین مدعی‌العموم‌ها که همه خلایق را مشتوی دزد و قالتاق می‌بینند تا وقتی که خلافش ثابت بشود، اما انگار برای این دوستان هرگز ثابت نمی‌شود." کاری مانند ترجمه دوباره دُن آرام و پيله‌کردن به تفاوت آش و سوپ و بُرش و آبگوشت و شوربا و گذاشتن لهجه پامناری در دهن دهقانان روس اگر خود او زنده می‌بود شاید به مراتب بیشتر آماج انتقاد قرار می‌گرفت. در غیابش کسانی که درباره این طرز تسویه حساب با مترجم قبلی حرف داشتند ناگفته گذاشتند و گذشتند. کمتر کسی پی‌جو شد سالهای ۴۰ و ۴۱ در **کتاب هفته** چه گذشت که رسوبات روحی‌اش همچنان باقی بود.

شفقت را نه تنها در مسکوت‌گذاشتن خرده‌حساب‌های قدیمی اصحاب قلم و دوات، بل در این نکته هم می‌توان دید که وقتی یکی از فرزندانش بر سر ادعای ارثیه تا حد توقیف اثاثیه پیش رفت، حتی دشمنان فراوان او ساکت ماندند و انگار یکی از هزارها دعوی مشابه در دادسرا تلقی کردند.

آن مخالفان سالها دندان‌قروچه کرده بودند چرا وقتی همه چیز و همه کس را می‌توان راحت کنار زد و از کار انداخت، این شخص در مسیر تعیین یک فقره ملک‌الشعراي صاحب‌صلاحیت راه‌بندان ایجاد کرده است. همزمان با عزیمت او، محافلی برای تهیه و توزیع مدیحه و صله ایجاد شد اما دوره این حرفها گذشته بود.

اگر شمار استقبال و اقتفا و تضمین‌ها را بتوان نشانه وسیعاً خوانده‌شدن یک شعر و شاخص موفقیت شاعرش گرفت، "یاد آر ز شمع مرده یاد آر" سروده علی‌اکبر دهخدا، و "گفتم به شیخ راه ضلال اینقدر مپوی/ کاین شوخ منصرف نشود از خیال خویش" از محمدتقی بهار در ایرانِ دهه‌های نخست قرن پیش سرآمد بودند. در عصر ما چنان قطعات خواص‌پسند و درعین‌حال هیجان‌انگیزی اگر معادل امروزی داشته باشند سروده‌های شاملوست.

نسلی که با شعر شاملو بزرگ شد همچنان سروده‌های او را در نوشته‌ها و شعرخوانی‌ها و اعتراضها تکرار می‌کند. بسیاری عبارات شعرهایش برای عنوان کتاب و مقاله گویاست. سال ۶۰ وقتی "هراس من — باری — همه از مردن/ در سرزمینی است/ که مرد گورکن/ از آزادی آدمی/ افزون باشد" و "پیش از آنکه در اشک غرقه شوم چیزی بگو" روی شیشه عقب پیکان و مینی‌بوس نقش بست (و این کار به‌فوریت قدغن شد) نشان می‌داد خلایقی که واژگانشان را با اشتیاق به کار می‌برد متقابلاً می‌توانند به زبان شعر او فکر کنند (اولی دست‌کم ۶۰۰۰۰ و دومی ۴۳۰۰۰ بار در اینترنت نقل شده است). کلمه جمع "پریا" را چنان شیوا به کار برد و پرشور روی نوار خواند که به‌عنوان کلمه مفرد و اسم خاص در شناسنامه‌ها جای گرفت. مضامین بدیع و سبک سرایش او در زمان حیاتش کلاسیک شد. پاداش کمی نیست.

این صفحه را برای دیگران بفرستید چاپ مطلب

درباره این سایت ها

ارسال به  پخش زنده تلویزیون
در طول شبانه روز به همراه برنامه های رادیویی

نوبت شما

دانش و فن

اقتصاد و بازرگانی

ورزش

فرهنگ و هنر

Facebook جهان

Balatarin افغانستان

Donbaleh ایران

Delicious صفحه اصلی

7 6 5 4 3 2 1

گزیده ها



فرکانس جدید تلویزیون
فارسی بی بی سی



شاملو؛ دهه و دهه‌ها،
پادداشت محمد قائد



پس از مبارک؛ بوی تغییر
به مشام می‌رسد



سودهایی که حاکمان
ایران از تحریم‌ها می‌برند



تحریم‌های بین‌المللی و
آسیب‌شناسی رفتار
غرب با ایران

BBC © MMX

тоҷикӣ